

۲۵۰۰ کیلوگردوی خارجی

در انبار راه آهن

گروه حوادث/ فرمانده پلیس راه آهن پلیس پیشگیری ناجا از کشف و توقیف گردوهای قاچاق به ارزش ۲.۵ میلیارد ریال در انبار توشه ایستگاه راه آهن تهران خبر داد.

سردار حشمت‌الله ملکی در این باره گفت: به منظور تشدید اقدامات کنترلی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز از طریق شبکه ریلی، مأموران پلیس راه آهن تهران به ۱۰۰ گونی بار گردوی ارسالی از اهواز به انبار توشه راه آهن تهران مشکوک شدند. فرمانده پلیس راه آهن پلیس پیشگیری ناجا با بیان اینکه وزن گونی‌ها ۲۵۰۰ کیلو بود، ادامه داد: در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد کالای مشکوفه خارجی و فاقد هر گونه مدارک گمرکی است که با تلاش همکاران، صاحب اموال شناسایی و همراه بار تحویل مقام قضایی و سازمان اموال تملیکی شد.

کشف جسد درسدلتیان

گروه حوادث/ امدادگران آتش‌نشانی لواسان جسد مردی جوان را در آب‌های سد لتیان پیدا کردند.

سیدجلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این باره اظهار کرد: ساعت ۱۱:۱۵ دقیقه روز یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه، در پی تماس همکاران آتش‌نشانی شهر لواسان از کشف جسد مردی جوان روی آب‌های سد لتیان باخبر شده و گروه نجات ویژه و غواصی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با امکانات کامل به محل اعزام شدند. با حضور آتش‌نشانی تهران هر دو گروه آتش‌نشانان تهران و لواسان آن منطقه را جست‌وجو کردند و پس از مدتی تلاش جسد مرد ۲۸ ساله‌ای را از عمق آب خارج کردند. وی افزود: از فوت این مرد ۲۸ ساله ساعت‌ها گذشته بود، حتی شاید این اتفاق مربوط به یک یا دو روز قبل بود که البته باید علت حادثه بررسی شود.

دستگیری قاتل مادرزن

گروه حوادث/ داماد فراری که ۶ ماه قبل مادرزنش را در شهرک معلم کرمان کشته بود با ردیابی‌های پلیسی دستگیر شد. سرهنگ «پرویز نظری» رئیس پلیس آگاهی استان کرمان در تشریح این خبر گفت: مهر سال گذشته همزمان با قتل زنی ۶۵ ساله در شهرک معلم به دست دامادش رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس آگاهی کرمان قرار گرفت. کار آگاهان از همان ابتدا تحقیقات گسترده خود را برای شناسایی محل اختفا و دستگیری قاتل آغاز کردند تا اینکه دریافتند این فرد از استان خارج و به یکی از شهرهای جنوبی متواری شده است. تحقیقات کارآگاهان ادامه داشت تا اینکه مخفیگاه قاتل فراری پس از گذشت ۶ ماه از وقوع جنایت با همکاری سربازان گمنام امام زمان (عج) در یکی از شهرهای استان کرمان شناسایی شد.

رئیس پلیس آگاهی استان افزود: کارآگاهان پس از هماهنگی با مقام قضایی و همکاران خود در کرمان عازم این استان شده و در عملیاتی غافلگیرانه متهم به قتل را در مخفیگاهش دستگیر کردند. این فرد با وجود انکارهای اولیه در نهایت به ارتکاب قتل مادر همسرش اعتراف و انگیزه‌اش را اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

انفجار گاز خانه را تخریب کرد

گروه حوادث/ نشت گاز از آبگرمکن، خانه‌ای را در شهرک ولیعصر منجر کرد و منجر به مصدم شدن ۳ کودک و سوختگی مردی میانسال شد.

سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در تشریح این خبر گفت: ساعت ۱۲:۵۰ دوشنبه خبر انفجار یک خانه به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که در پی آن ستاد فرماندهی، آتش‌نشانان دو ایستگاه را به همراه تجهیزات مربوطه به محل حادثه واقع در شهرک ولیعصر، خیابان طالقانی اعزام کرد. با حضور آتش‌نشانان در محل مشاهده شد که بر اثر نشت گاز از آبگرمکن انفجار در خانه مسکونی یک طبقه قدیمی حدود ۶۰ متری رخ داده و شدت آن به حدی بوده که شیشه‌های ساختمان و بخش‌هایی از در و دیوار به طور کامل تخریب شده است.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه در پی این حادثه مردی حدوداً ۴۵ ساله که پدر خانواده بود دچار سوختگی و آسیب دیدگی شدید شده بود، گفت: همچنین در این حادثه پسر بچه‌ای دو ساله و دو دختر بچه سه و ۱۰ساله نیز دچار مصدومیت شدند که عوامل اورژانس این افراد را به بیمارستان منتقل کردند.

اسیدپاشی به شوهر برای مهاجرت

گروه حوادث/ مرد سرایدار که با درخواست همسرش برای مهاجرت به خارج از کشور مخالف کرده بود نمی‌دانست قربانی اسیدپاشی وی خواهد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز گذشته مرد جوانی در حالی که صورتش با اسید سوخته و چشم چپش کور شده بود، به دادسرای امور جنایی تهران رفت. او از همسرش به اتهام اسیدپاشی شکایت کرد و زمانی که در مقابل بازپرس جنایی قرار گرفت، گفت: من سرایدار ساختمانی در منطقه پاسداران هستم و دختری دو ساله دارم. مدتی است که همسرم شادی اصرار می‌کند به خارج از کشور مهاجرت کنیم اما وقتی با او مخالفت کردم گفت که او را طلاق دهم. می‌خواهد من جدا شوم و با دخترم به یکی از کشورهای اروپایی مهاجرت کند. هر چه به او گفتم که با این شرایط، مهاجرت کار درستی نیست، قبول نمی‌کند.

■ اسیدپاشی در خواب

مرد جوان ادامه داد: چند روز قبل در خانه خوابیده بودم که یک دفعه جسمی سخت به سرم خورد وقتی چشم‌هایم را باز کردم، شادی را دیدم که چکش به‌دست دارد و به من حمله کرده است. هنوز گیج ضربات چکش بودم که یک فعه شادی مایع داخل ظرفی را روی من ریخت. ناگهان سر و صورت‌م آتش گرفت وتمام صورت‌م

قتل ملادر مقابل چشمان فرزندش

گروه حوادث/ صدای گریه‌های پسر یک و نیم ساله که از داخل خانه به گوش می‌رسید راز قتل مادرش را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۴:۳۰ عصر یکشنبه ۷ اردیبهشت مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت: از صبح هر چه با تلفن همراه و خانه‌های من تماس گرفتم جواب‌داد از آنجایی که شوهرش خانه نیست و خاله‌ام یک پسر یک سال و نیمه دارد که به خاطر او و وضعیت کرونا از خانه بیرون نمی‌رود بی‌خبری از او نگرانم کرد به همین خاطر برای اینکه از احوالش جویا شوم به خانه خاله‌ام که در طبقه همکف ساختمانی در حوالی نواب بود، رفتم. زنک خانه‌اش را چندین‌بار به صدا درآوردم اما باز کسی جواب نداد، بعد از چند دقیقه تصمیم گرفتم به خانه برگردم که ناگهان صدای گریه پسرخاله‌ام را شنیدم. دیگر مطمئن شده بودم اتفاقی رخ داده که بچه مدام گریه می‌کرد و صدای خاله‌ام هم نمی‌آمد؛ امکان نداشت خاله‌ام بچه‌اش را تنها بگذارد و بیرون برود.

به دنبال این تماس بلافاصله مأموران کلانتری نواب با هماهنگی بازپرس حبیب‌الله صادقی از شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور ورود به خانه را دریافت کرده و مأموران پلیس با کمک امدادگران آتش‌نشانی وارد خانه شدند؛ با ورود به خانه آنها با جسد زن جوان درحالی مواجه شدند که سر و صورت او



گروه حوادث: مرد شاید به بهانه انجام تست کرونا از سالمندان آنها را فریب داده و قربانی سرقت می‌کرد.

سردار علی اکبر جاویدان، فرمانده انتظامی استان کرمانشاه با اعلام خبر دستگیری این سارق گفت:

پس از وقوع چند مورد سرقت از افراد سالمند در شهر

پایان خوش سرقت خودرو با کودک ۳ ساله

گروه حوادث/ مرد سارق وقتی متوجه شد داخل خودرویی که سرقت کرده یک کودک ۳ ساله خوابیده از ترس کودک را در بیابان و خودرو را در جاده رها کرد و گریخت.

سردار محمدکاظم تقوی، فرمانده انتظامی خراسان رضوی صبح دیروز در تشریح این خبر گفت: ساعت ۴ و ۳۵ دقیقه بامداد دوشنبه گزارش سرقت خودروی سواری پژو ۲۰۶ سفید رنگ در بلوار شهید فکوری مشهد به فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد از آنجا که صاحب خودرو اعلام کرده بود کودک ۳ ساله‌اش داخل خودروی سرتی بوده حساسیت موضوع بیشتر شد و بلافاصله مأموران کلانتری شهرک

ناجا برای نجات جان کودک و یافتن خودرو وارد عمل شدند. فرمانده انتظامی خراسان رضوی افزود: بررسی‌های پلیسی حاکی از آن بود که مالک خودرو برای خرید دارو به داروخانه شبانه‌روزی مراجعه کرده بود و در این لحظه سارق خیابانی از فرصت استفاده کرده و خودرو را همراه با کودک به سرقت برده است. بدین ترتیب با توجه به حساسیت موضوع طرح عملیاتی ضربتی در دستور کار مرکز فرماندهی و کنترل پلیس، پلیس آگاهی، پلیس امنیت عمومی، پلیس فتا و فرماندهی انتظامی مشهد قرار گرفت. پلیس با اقدام‌های اطلاعاتی گسترده و ردزنی‌های علمی، جست‌وجوهای خود را برای نجات جان این پسر بچه سه ساله آغاز کرد و تمامی محورهای خروجی شهر مشهد تحت کنترل دقیق قرار گرفت.

سارق خیابانی که حضور پلیس را در یک قدمی خود احساس می‌کرد و دچار ترس و وحشت شده بود، کودک سه ساله را در مسیر مشهد – نیشابور کنار تنه‌ای رها کرد و پس از طی مسافتی خودرو را نیز کنار جاده رها ساخت و متواری شد؛ این در حالی بود که پلیس، خودرو سرتتی را ردزنی و مأموران انتظامی برای توقیف خودرو در مسیر بودند.

با اقدام به‌موقع، سرعت عمل و هماهنگی پلیس‌های تخصصی خراسان رضوی و فرماندهی انتظامی مشهد، کودک سه ساله سالم و سلامت به آغوش خانواده‌اش بازگشت و خودروی مسروقه کشف شد. تقوی با اشاره به این مطلب که پلیس با توجه به سرخ‌های به دست آمده، عملیات دستگیری متهم فراری را در دستور کار خود قرار داده است، از شهروندان خواست به توصیه‌های پلیسی برای پیشگیری از سرقت‌ها به‌خصوص رعایت ملاحظات لازم در تنها نگذاشتن کودکان داخل خودرو، دقت و مراقبت بیشتری داشته باشند.

سرقت از سالمندان به بهانه تست کرونا

«اسلام‌آبادغرب»، رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. مأموران پلیس آگاهی «اسلام‌آبادغرب» با انجام تحقیقات گسترده موفق به شناسایی سارق شده و در استعلام‌های به‌عمل آمده مشخص شد این فرد به جرم سرقت به روش مشابه در همان دستگیر و زندانی شده است. با هماهنگی‌های لازم بلافاصله سارق زندانی در اختیار پلیس آگاهی «اسلام‌آبادغرب» قرار گرفت و در تحقیقات به ارتکاب ۲۲ فقره سرقت که یک مورد آن مربوط به سرقت طلا از خانه یکی از قربانیان خود در این شهرستان بود، اعتراف کرد.

سردار جاویدان یادآوری کرد: سارق حرفه‌ای با شناسایی منازلی که افراد سالخورده در آن حضور داشته‌اند به آنها مراجعه و با معرفی خود به‌عنوان مأمور بهداشت و گرفتن تست کرونا، اقدام به سرقت از آنها می‌کرد.

وی همچنین از توقیف یک دستگاه خودروی پژوپارس متعلق به فرد جیب‌بر خبر داد و گفت: تلاش برای دستگیری دو مالخر که با سارق همکاری داشته‌اند، ادامه دارد.

رئیس پلیس استان در پایان به شهروندان توصیه کرد اگر فردی به در منزل آنها تحت عنوان مأمور پلیس، بهداشت یا شرکت‌های خدمات رسان مراجعه کرد، پیش از هر اقدامی کارت شناسایی معتبر از وی مطالبه کرده و ضمن جلوگیری از حضور آنها در داخل خانه، حتی الامکان به سؤالات آنها مقابل در منزل پاسخ دهند.

■ نگاه کارشناس

امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده/ یکی از مسائلی که زوجین به آن توجه نمی‌کنند، اختلاف سنی است که نباید از یک استاندارد بیشتر باشد و همچنین در دورانی که مردها بسیار جوان هستند نباید دقت بیشتری می‌کردند و با صداقت راجع به خصوصیات و نیازهای شان صحبت می‌کردند بی‌شک اکنون کارشان به دادگاه خانواده نمی‌کنید.

انتخاب تو عجلانه تصمیم گرفتیم. من سن و سالی ندارم و همه دوستانم مجرد هستند و براحتی تفریح می‌کنند اما من خودم را در محدوده‌ای انداخته‌ام که نه راه پس دارم و نه راه پیش! البته چند ماه اول زندگی مشترکمان خیلی خوب بود اما رفته رفته پریسا دیگر نه لباس مرتبی پوشید و نه آرایشی کرد و هر بار با بهانه اینکه خسته‌ام و حوصله بچه بازی را ندارم از من فاصله گرفت تا حدی که هنوز یکسال از ازدواج‌مان نگذشته بود که احساس می‌کردم با زنی به مراتب سالخورده ازدواج کرده‌ام و همین موضوع بسیار آزارم می‌داد. بارها به خودم گفتم که چرا باید با چنین فردی ازدواج می‌کردم و...

در این حین پریسا گفت: تو به‌دنبال تشکیل خانواده

موضوع می‌تواند در دراز مدت برای زندگی‌مان مخاطره ایجاد کند...

سیاوش به یکباره حرف‌های پریسا را قطع کرد و گفت: می‌بینید جناب قاضی در همه مسائل خودش را عقل کل می‌داند. چه ایرادی دارد که ما در میهمانی‌های دوستان مجردمان شرکت کنیم؟ آنها دوستان من هستند و من نمی‌توانم آنها را کنار بگذارم. البته شاید همسرم به‌خاطر اینکه من خیلی از او جوانتر هستم دوست ندارد با هم در جمع‌های دوستانه حضور پیدا کنیم.

در این لحظه پریسا که قدری عصبانی شده بود، رو کرد به قاضی و گفت: کاش یکبار جلوی خانواده‌ام می‌ایستادم و اجازه نمی‌دادم که این شخص وارد زندگی‌ام شود. جناب قاضی سیاوش از بستگان دور ما بود و بارها خانواده‌اش از من خواستگاری کرده بودند و من به‌خاطر فاصله سنی‌مان پاسخ منفی داده بودم. اما آنها دست بردار نبودند و همین موضوع باعث شد تا خانواده‌ام به من فشار بیاورند که تن به ازدواج با او بدهم. مدت زیادی مقاومت کردم تا اینکه شنیدم سیاوش به خانواده‌اش گفته که اگر با پریسا ازدواج نکنم، خودکشی خواهیم کرد و من از ترس اینکه بلایی سرش بیاید قبول کردم. اما نمی‌دانستم که سیاوش یکسال بعد موضوع بزرگ‌تر بودنم را مثل چماق بر سرم می‌کوبد و خجالت زده‌ام می‌کند. سیاوش پاسخ داد: شاید من هم اشتباه کردم که در

همسرم می‌خواهد برایم ملاری کند

کاش یکسال پیش عقل الانم را داشتم و با پریسا ازدواج نمی‌کردم. من جوانی نکردم فکر می‌کردم پس از ازدواج می‌توانم با همسرم تفریح و شادی کنم. اما اشتباه کردم چون او نه همسن و سال من بود و نه می‌توانست حسن من را درک کند.

وی نیم نگاهی به پریسا کرد و ادامه داد: جناب قاضی همسرم چون ۱۰ سال از من بزرگ‌تر است نه دوست دارد در میهمانی‌های دوستانه شرکت کند و نه در شادی‌های مرتبط با سن و سال من و دوستانم سهیم باشد. دلش می‌خواهد همیشه ادای بزرگ‌ترها را در بیاورد و برای من نقش مادر را بازی کند. در حالی که من مادر دارم و دلم نمی‌خواهد که کسی به من امر و نهی کند. حتی زمانی که مجرد بودم هم از بزرگتری کردن مادرم در عذاب بودم و حالا دوباره یک نفر مثل مادرم می‌خواهد مانع شادی و لذت بردنم از زندگی شود و من هم نمی‌توانم این موضوع را هضم کنم و بهتر است دیگر باهم ادامه ندهیم.

پریسا پاسخ داد: من برای تو مادری نکردم فقط احساس کردم که چون از تو بزرگ‌ترم و تجربه بیشتری دارم می‌توانم جلوی مسائلی را که می‌تواند در زندگی‌مان تأثیر منفی بگذارد، بگیرم. تو خودت خوب می‌دانی چرا مخالف برخی تفریح کردن‌ها هستم. دلیلی ندارد که ما با دوستان مجرد تو رفت و آمد کنیم. ما متأهل هستیم و آنها مجرد و این

کارمان علمدهی/ در میان ده‌ها زوجی که در طبقه دوم دادگاه خانواده در انتظار تعیین تکلیف پرونده شان از سوی قاضی شعبه‌ها بودند زوجی آرام روی نیمکت داخل سالن نشسته بودند. مرد جوان با گوشی تلفن همراهش بازی می‌کرد و همسرش نیز زیر چشمی رفتارهای او را می‌دید و حرص می‌خورد و زیر لب غر و لند می‌کرد.

انگار برای مرد جوان قضیه حضور در دادگاه خیلی جدی نیست اما برای همسرش ماجرا به‌گونه دیگری است. منشی دادگاه دقایقی بعد این زوج را به داخل شعبه فرا خواند: خوانده سیاوش... و خواهان پریسا... هر دو از روی نیمکت بلند شدند به داخل شعبه رفتند. قاضی پرونده مردی پنجاه و چند ساله با موهای جو گندمی و کت و شلوار راه راه در حال توری پرونده بود و پس از ورود این زوج بدون مقدمه گفت: اگر مشکلاتن فقط فاصله سنی است که از همین ابتدا راجع به آن صحبت کنیم؟ پریسا حرف قاضی را قطع کرد و گفت: جناب قاضی فاصله سنی یک مسأله است و رفتارهای همسر من مسأله‌ای دیگر که موجب شده تا ما تنها راه خروج از مشکلاتن را حضور در این دادگاه بدانیم. سیاوش در حالی که یک چشمش به تلفن همراهش بود و یک چشمش به همسرش، گفت: اجازه بدهید من واقعیت را بگویم. آقای قاضی من اشتباه کردم